

بررسی مطالعات حاکمیت اسلامی در ایران با استفاده از روش فراترکیب

*سعید حجازی فر^۱، فرج‌اله رهنورد^۲، میثم لطیفی^۳، حبیب‌الله طاهرپور کالانتاری^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران

۳. دانشیار مدیریت منابع انسانی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۴. استادیار مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۵/۲۹) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۱۰/۳)

Study of Islamic Governance in Iran using the Meta-Synthesis Method

*Saeed Hejazifar¹, Farajollah Rahnavard², Meysam Latifi³, Habibollah Taherpour Kalantari⁴

1. Ph.D student of Public Administration, Payame Noor, Tehran, Iran

2. Associate professor of public administration, Higher Education and Research Institute of Management and Planning, Tehran, Iran

3. Associate Professor of Human Resource Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor of Public Administration, Higher Education and Research Institute of Management and Planning, Tehran, Iran

Received: (20/ Aug /2017) Accepted: (24/ Dec /2017)

Abstract

One of the areas associated with the administration of the state and society is the governance that governs the general direction of a society. It is necessary to have a pattern of governance and governance proportional to the values of each society, which is indispensable. It is necessary to determine the pattern of governance of any society in accordance with the values and culture of that society. In Islamic sources, special attention has been paid to governance and government. The purpose of this research is to identify the components of Islamic governance, based on research carried out in this field. The research method is qualitative, which is based on the method of Meta-Synthesis. Based on research carried out in this regard, the findings of this study indicate that justice, poverty reduction and welfare in Islamic governance is important if Western accountability and participation are important. This shows that the pattern of Islamic governance differs fundamentally from Western governance.

Keywords

Islamic Governance, Islamic Government, Islamic Management, Imam Ali (AS).

چکیده

یکی از حوزه‌های مرتبط با اداره حکومت و جامعه، حاکمیت است که مسیر کلی حرکت یک جامعه را ریل‌گذاری می‌نماید. از آنجا که داشتن الگوی حکومت‌داری و حاکمیت متناسب با ارزش‌های هر جامعه، ضرورتی انکارناپذیر است لازم است الگوی حاکمیت هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌ها و فرهنگ آن جامعه مشخص گردد. در منابع اسلامی نیز به حکومت و حاکمیت توجه ویژه‌ای شده است. هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی براساس پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است. روش پژوهش از نوع کیفی است که براساس روش فراترکیب انجام شده است. براساس پژوهش‌های انجام شده در این زمینه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عدالت، فقرزدایی و رفاه‌گرایی در حاکمیت اسلامی اهمیت بالایی دارد در صورتی که در حاکمیت غربی پاسخگویی و دخالت (مشارکت) از اهمیت بالایی برخوردار است. همین امر نشان می‌دهد که الگوی حاکمیت اسلامی تفاوت اساسی با حاکمیت غربی دارد.

واژه‌های کلیدی

حاکمیت اسلامی، حکومت اسلامی، مدیریت اسلامی، امام علی(ع).

* Corresponding Author: saeed hejazifar

E-mail: saeedhejazifar@gmail.com

* نویسنده مسئول: سعید حجازی فر

مقدمه

یکی از مباحث کلیدی و چالش‌برانگیز، نوع حاکمیت و نحوه اداره جامعه است که در سالهای اخیر مورد توجه پژوهشگران عرصه علوم سیاسی و مدیریتی قرار گرفته است. اتخاذ رویکردهای مختلف و شکل‌گیری پارادایم‌های مختلف نشان‌دهنده افزایش اهمیت این مسئله به‌ویژه در دوران معاصر شده است. شکل‌گیری مفاهیمی چون مدیریت دولتی نوین، حاکمیت خوب، حاکمیت پایداری و دلیلی بر این مدعاست. از آنجا که داشتن الگوی حکومت‌داری و حاکمیت متناسب با ارزش‌های هر جامعه، ضرورتی انکارناپذیر است لازم است الگوی حاکمیت هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌ها و فرهنگ آن جامعه مشخص گردد.

نظام حاکمیت براساس ارزش‌ها و باورهای هر جامعه شکل می‌گیرد و پیگیری می‌شود. از آنجا که کشور ما یک کشور اسلامی است لاجرم نظام حاکمیت آن از مبانی و ارزش‌های اسلامی تأثیر می‌پذیرد. وقتی حکومت بخواهد اسلامی باشد، قید اسلامی بودن تشکیلاتی خاص و متناسب با خود را می‌طلبد. لازمه این امر تبیین زوایای مختلف نظری و عینی حکومت کردن براساس اسلام است که مستلزم پژوهش‌های جدی در منابع و الگوهای اسلامی است. نظام اسلامی برای تحقق اهداف و اصول خود و حفظ مبانی و ارزش‌های خود نمی‌تواند صرفاً از الگوها، مدل‌ها، شاخصه‌ها و علوم و نرم‌افزارهای موجود جهانی استفاده کند. برای کشورهای اسلامی پذیرفتنی نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام صرفاً پیرو الگوهای جهانی باشد (امیری و عابدی جعفری، ۱۳۹۲).

اسلام حقیقی، اسلام سیاسی است که برای همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی بشر رهنمودهای کلی و جزئی ارائه نموده است. تصور اینکه اسلام دین فردی است و کاری به اداره جامعه ندارد تصویری غلط و منحرف است. قرائت‌های مختلفی درباره اسلام وجود دارد اما قرائت تازه و مدرنی که ریشه در مبانی اسلامی دارد و به دنبال بازگشت و رجوع به اسلام اصیل است همان اسلامی است که پس از انقلاب اسلامی به دنیا معرفی شد. در این نوع اسلام تمایز بین دین و سیاست از بین می‌رود و حدود و قلمرو بین دین و سیاست باطل می‌شود. در اسلام سیاسی، دین مرجعیت امور سیاسی و الزامات آن را بر عهده دارد.

از دیدگاه مدرنیسم غربی دین از سیاست جدا بوده و

در نتیجه هرگونه حضور و دخالت دین در عرصه سیاسی امری نابهنجار، منفی و ارتجاعی تلقی می‌شود. با تهاجم همه‌جانبه غرب به جهان اسلام و شکل‌گیری مقاومت اسلامی در برابر آن و رد آموزه‌های مدرنیسم غربی و تلاش احیای اسلام به عرصه برای احیای تمدن اسلامی و بازگرداندن اسلام به عرصه سیاسی، غربیان برای نابهنجار و ارتجاعی نشان دادن آن از واژگانی با بار معنایی منفی چون بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی استفاده کردند. اسلام سیاسی به معنی وجه ایجابی اسلام در تأسیس حکومت در میان اقتضایات دوران مدرن بود. امام خمینی (ره) در معرفی این تفسیر از اسلام می‌فرماید، اسلام فقط عبادت نیست، فقط تعلیم و تعلم عبادی نیست، اسلام از سیاست دور نیست (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۰۷). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند که و الله اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند، سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۵). با توجه به این مطالب مشخص می‌گردد که اسلام عرصه سیاست و حکومت‌داری را رها نکرده است و برای آن توصیه‌ها و رهنمودهایی ارائه نموده است که لازم است مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

دین اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی از چنان قابلیت برخوردار است که بتواند مدل حاکمیت مطلوب را متناسب با اصول و ارزش‌های اسلامی احصا و به کار بگیرد. اندیشمندان اسلامی به‌طور عام و مذهب تشیع به‌طور خاص مدل آرمان‌شهر اسلامی را بر مبنای قوانین اسلامی، سیره عملی رسول اکرم (ص)، سیره عملی امام علی (ع)، و دکترین مهدویت توصیف و تشریح می‌کنند و سعادت بشری را در قالب چنین حاکمیتی ممکن می‌دانند. با توجه به این نوع نگرش، پژوهشگران و اندیشمندان مختلفی در ایران تلاش نموده‌اند که بر پایه تبیین الگوی حاکمیت اسلامی گام بردارند. این پژوهش به دنبال واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی مبتنی بر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است.

مبانی نظری پژوهش

معنای لغوی حاکمیت^۱

ریشه‌یابی کلمه حاکمیت^۲ ما را به فعل یونانی «راهبری و

1. Governance

۲. این کلمه در فارسی به‌اشتباه به صورت حکمرانی ترجمه شده است در صورتی که ترجمه دقیق‌تر آن حاکمیت است.

مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی بر قواعد و قوانین اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۳۳).

تفاوت حاکمیت با واژه‌های مشابه

تفاوت حاکمیت^۶ با حکومت^۷: واژه حاکمیت آن چنان که از فرهنگ واژگان آکسفورد^۸ برمی‌آید هم‌معنای حکومت بوده است. در اینجا حاکمیت؛ عمل یا شیوه حکومت کردن، مقام یا کارکرد حکومت کردن است. حکومت کردن یعنی فرمانروایی و کنترل کردن با اقتدار است به شرط آنکه در درون حکومت صورت گیرد. باوجوداین، در دهه ۱۹۸۰ پژوهشگران علوم سیاسی آن را مجزا از حکومت و شامل بازیگران جامعه مدنی دانستند (کایر، ۱۳۸۶: ۸-۴). حکومت را نباید با حاکمیت یکسان انگاشت. حکومت نهادهای سیاسی- اداری و دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی و نظامی را در برمی‌گیرد که عهده‌دار برقراری نظم و امنیت، گرداندن جامعه و برآوردن نیازهای گوناگون شهروندان هستند؛ حال آنکه حاکمیت به پویاها یا فرایندهای تصمیم‌گیری، چگونگی کاربرد قدرت و چند و چون روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به گونه بنیادی، حاکمیت در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخگویی معنا می‌یابد و با پرسش‌های مهمی همچون چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شود، چه کسی یا کسانی تصمیم می‌گیرند، تعامل دولت و شهروندان چگونه باید باشد؟ مرتبط است. پرسش‌هایی که می‌تواند در سطح محلی، منطقه‌ای، کشوری، جهانی و نهادی مطرح شود (پلومپر^۹، ۱۹۹۹: ۳). درواقع حکومت به‌عنوان بخشی از حاکمیت است و مفهوم حاکمیت وسیع‌تر از حکومت بوده و شامل دیگر بازیگران در جامعه نیز می‌شود.

تفاوت حاکمیت با حکمرانی^{۱۰}: کلمه حاکمیت بیش از این در برابر حکمرانی به کار برده شده است؛ این در حالی است که واژه اخیر به نوع یا جنبه خاصی از حاکمیت دلالت دارد. حاکمیت بسیار وسیع‌تر از مفهوم حکمرانی است که در نظریه سیاسی کلاسیک به اقتدار، خودمختاری و مرجع‌نهایی واضح خطامشی معطوف بود (کایر، ۱۳۸۶). درواقع می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکمرانی به اعمال اقتدار از طرف دولت اشاره دارد درحالی‌که حاکمیت شامل دیگر بازیگران در

هدایت کردن^۱ می‌رساند، واژه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی طراحی یک نظام حکومتی به‌کار برده است. این واژه یونانی، در قرون وسطی به کلمه لاتینی قابرنر^۲ تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد (کایر، ۱۳۸۶: ۳).

اندیشمندان درباره اصطلاح حاکمیت تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

۱. حاکمیت عبارت است از ظرفیت نهادی سازمان‌های دولتی برای ارائه کالاهای عمومی و دیگر کالاهایی که شهروندان یک کشور یا نمایندگانشان تقاضا می‌کنند به شیوه‌ای اثربخش، شفاف، بی‌طرفانه، و پاسخگو با توجه به محدودیت منابع. به‌رغم تعاریف متعدد، ویژگی اصلی عملیاتی مورد نظر بانک جهانی از حاکمیت، بر کاهش فساد و رفتار محدود به قواعد دلالت دارد (بانک جهانی، ۲۰۰۹: ۶۰).

۲. حاکمیت را می‌توان به شکل کلی به‌عنوان ابزاری تعریف کرد که از طریق آن، یک فعالیت با مجموعه‌ای از فعالیت‌ها کنترل یا هدایت می‌شود تا حدی که فعالیت‌ها بتوانند طیف قابل‌قبولی از برون داده‌ها را با توجه به برخی اصول ثبت شده به دست آورد (هیرست^۴، ۲۰۰۰: ۱۶).

۳. حاکمیت، کارگزاری قواعد سیاسی رسمی و غیررسمی بازی است. حاکمیت بر معیارهایی دلالت دارد که به کار تنظیم قواعد برای اعمال قدرت می‌آیند و در حل و فصل کشمکش‌ها حول این‌گونه قواعد دخالت دارند (هیدن^۵، ۱۹۹۹: ۱۸۵).

۴. وضع، کاربرد و اعمال قواعد (کایر، ۱۳۸۶: ۱۴).

خلاصه تا اینجا می‌توان گفت حاکمیت به چیزی وسیع‌تر از دولت دلالت می‌کند و درباره راهبری و قواعد بازی است. ما حاکمیت را در مفهوم وسیع خود به معنی وضع، کاربرد و اعمال قواعد تعریف کردیم (کایر، ۱۳۸۶: ۱۴-۸). در این پژوهش نیز این تعریف به دلیل جامعیت و عمومیت به‌عنوان تعریف مقدماتی و اولیه مبنای کار قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است که در حاکمیت اسلامی این قواعد باید مشروع و اسلامی باشد. به‌عنوان مثال از نظر امام خمینی (ره) حکومت اسلامی براساس قوانین اسلامی استوار است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۰۱). همچنین ایشان در پاسخ به سؤال تلویزیون تایمز نسبت به چیستی حکومت اسلامی آن را در یک جمله کوتاه این‌گونه تعریف می‌کند، حکومت اسلامی یعنی حکومت

6. Governance
7. Government
8. Concise Oxford Dictionary
9. Plumptre
10. Sovereignty

1. kubernan
2. gubernare
3. world Bank
4. Hirst
5. Hyden

جامعه مدنی است و فقط اقتدار حکومت در آن مطرح نیست و مشارکت بازیگران نیز در آن نقش کلیدی دارد.

تفاوت حاکمیت با مدیریت دولتی^۱: مفاهیم مدیریت دولتی و حاکمیت عمومی با یکدیگر مانع‌الجمع نیستند. به‌طور کلی همه اعمال مدیریت دولتی نمی‌تواند به‌عنوان بخشی از حاکمیت عمومی به‌حساب آید و همه جنبه‌های حاکمیت عمومی را نیز نمی‌توان بخشی از مدیریت دولتی به‌حساب آورد. در نتیجه حیطه مسائل مدیریت دولتی و حاکمیت عمومی موضوعاتی جدا از هم اما به هم وابسته هستند. یکی پیش آمد دیگری یا برتر از آن نیست. آنها باید با هم همزیستی داشته باشند و از طریق مکانیزیم‌های مناسب با یکدیگر کار کنند تا سطح کیفیت زندگی افراد جامعه را افزایش دهند (بووارد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷).

مؤلفه‌های حاکمیت خوب

نهادهای بین‌المللی همچون برنامه عمران ملل متحد مؤلفه‌های حاکمیت خوب را به شرح زیر توصیف کرده‌اند، ۱. مشارکت^۲، تمامی زنان و مردان جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهارنظر داشته باشند که این امر از طریق نهادهای واسطه منتخب آنان و یا به صورت مستقیم تحقق می‌یابد.

۲. حاکمیت قانون^۳، نظام‌های حقوقی جامعه باید عادلانه و بی‌طرفانه باشد، بالأخص قوانین حقوق بشر. ۳. شفافیت^۴، جریان آزاد تبادل اطلاعات بیانگر شفافیت است. فرایندها، نهادها و اطلاعات برای شهروندان که خواهان دسترسی هستند میسر است و اطلاعات کافی در اختیارشان قرار می‌گیرد.

۴. جوابگویی^۵، نهادها و فرایندها و سازوکارها برای خدمت کردن به همه ذی‌نفعان و جوابگویی به تقاضاهای آنها تلاش می‌کنند.

۵. اجماع^۶، حاکمیت مطلوب و خوب توافق گروه‌ها و افراد درباره منافع مختلف را به هم نزدیک می‌سازد و معین می‌کند که برای یک گروه بهترین منفعت چیست و

دست‌یابی به این منافع مشترک تا چه عملی و با چه سازوکارهایی میسر است؟

۶. عدالت^۷، همه مردان و زنان باید فرصت‌هایی برابر برای بهبود یا حفظ کیفیت زندگی‌شان داشته باشند.

۷. اثربخشی و کارایی^۸، همه سازوکارها و فرایندها و نهادها باید بهترین بازدهی و اثربخشی را داشته باشند و نیازهای ذی‌نفعان به تمام و کمال با استفاده بهینه از منابع برآورده شود.

۸. پاسخگویی^۹، تصمیم سازان بخش دولتی، بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی باید به مردم و آحاد ذی‌نفعان جامعه پاسخ‌گو باشند. نحوه پاسخگویی نیز به نوع فعالیت سازمان و ماهیت تصمیم بستگی دارد.

۹. افق راهبردی^{۱۰}، رهبران جامعه و مردم افق و دورنمای روشنی از حاکمیت مطلوب و توسعه انسانی و آنچه برای توسعه انسانی مورد نیاز است داشته باشند (پلومپر و گراهام^{۱۱}، ۲۰۰۰).

بانک جهانی حاکمیت را براساس شش شاخص تعریف می‌کند، ۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی (۲) ثبات سیاسی (۳) اثربخشی دولت، کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله (۴) کیفیت قوانین و مقررات (۵) حاکمیت قانون (۶) کنترل فساد. در واقع شاخصه‌ای فوق از دید بانک جهانی ملاک سنجش حاکمیت در یک کشور است. به این معنا که به هراندازه در یک کشور دولت پاسخگوتر، کارآمدتر، ثبات سیاسی بیشتر، حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود که حاکمیت خوب برقرار است (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

پیشینه پژوهش

از آنجاکه پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش در قسمت یافته‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند برای تکراری نبودن و جلوگیری از افزایش تعداد صفحات مقاله، پیشینه پژوهش به صورت کامل ذکر نمی‌گردد و فقط به مواردی در قالب جدول ذیل اشاره می‌گردد.

7. Eauty
8. Effectiveness and Efficiency
9. Accountability
10. Strategic Vision
11. Plumptre and Graham

1. public management
2. Participation
3. Rule of Law
4. Transparency
5. Responsiveness
6. Consensus Orientation

جدول ۱. پژوهش‌های حاکمیت با رویکرد اسلامی در منابع فارسی

عنوان	منبع
بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حاکمیت پایداری در ایران	ابراهیم پور و همکاران (۱۳۸۷)
ارائه الگوی حاکمیت خدامدار	بردبار و همکاران (۱۳۹۴)
بررسی تطبیقی نظام حاکمیت کوروش کبیر با اصول حاکمیت خوب	بیگی نیا و همکاران (۱۳۹۱)
پژوهش ابعاد حاکمیت اخلاقی در فحوای عهدنامه امیر(ع)	پورعزت (۱۳۸۹)
حاکمیت خوب و ارائه حاکمیت شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام	حسینی تاش و همکاران (۱۳۹۳)
الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴	رهنمورد (۱۳۹۰)
تبیین حاکمیت خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا	سردانیا و همکاران (۱۳۹۳)
تحلیلی بر کیفیت حاکمیت خوب در ایران	الوانی و همکاران (۱۳۸۶)
تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حاکمیت خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت	قلی پور (۱۳۸۳)
حاکمیت خوب با رویکرد اسلامی	ناظمی اردکانی (۱۳۸۸)
حاکمیت خوب، معرفی و نقد اجمالی	نادری (۱۳۹۰)
طراحی مدل حاکمیت خوب براساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حاکمیت خوب بانک جهانی	یوسفی (۱۳۹۴)

روش پژوهش

روش این تحقیق از نوع کیفی است که با استفاده از روش‌شناسی فراترکیب انجام شده است. فراترکیب یکی از اقسام روش‌های فرا مطالعه است. در ارتباط با روش فرا مطالعه پنج و دی چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که به‌طور کلی می‌توان گفت که فرا مطالعه شامل چهار قسمت اصلی است که این چهار قسمت عبارت است از، فراتحلیل^۱ (تحلیل کمی محتوای مطالعات اولیه)، فرا روش^۲ (تحلیل روش‌شناسی مطالعات اولیه)، فرانظری^۳ (تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه)، فراترکیب^۴ (تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه) (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳). فراترکیب نوعی مطالعه کیفی می‌باشد که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه، نمونه مورد نظر برای فرا ترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آنها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فرا ترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر نیست. همچنین تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از مطالعات منتخب نیز نیست، بلکه تحلیل یافته‌های این مطالعه‌ها است. به عبارتی فراترکیب، ترکیب تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعه‌های منتخب است.

فرا ترکیب، بر مطالعه‌های کیفی که لزوم مبانی نظری وسیعی را شامل نمی‌شود، تمرکز دارد و به‌جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند. فراترکیب با فراهم کردن یک نگرش نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش جاری را ارتقای داده و یک دید جامع و گسترده‌ای را به مسائل به وجود می‌آورد. فراترکیب مستلزم این است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی انجام داده و یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط را ترکیب کند. از طریق بررسی یافته‌های مقاله‌های اصلی پژوهش، پژوهشگران واژه‌هایی را آشکار و ایجاد می‌کنند که نمایش جامع‌تری از پدیده تحت بررسی را نشان می‌دهد. مشابه نگرش نظام‌مند، استفاده از فراتلفیق نتیجه‌ای را حاصل می‌کند که بزرگ‌تر از مجموع بخش‌هایش است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴).

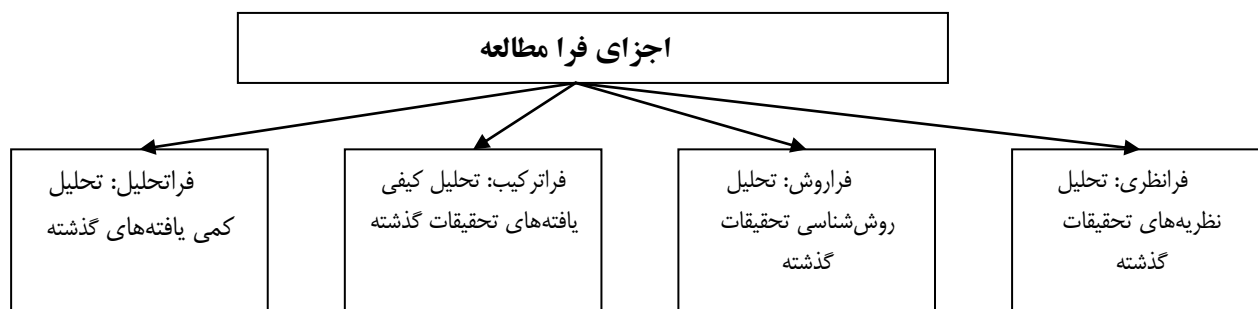
فراترکیب مشابه فراتحلیل، برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه برای ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌گیرد. در مقایسه با رویکرد فراتحلیل کمی که بر داده‌های کمی ادبیات موضوع و رویکردهای آماری تکیه دارد، فراترکیب متمرکز بر مطالعات کیفی بوده، به ترجمه مطالعات کیفی به یکدیگر و فهم عمیق پژوهشگر برمی‌گردد (نیرومند و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

ساندلوسکی و باروسو بر این باورند که اقتدا و پایبندی به

1. Meta-Analysis
2. Meta-Method
3. Meta-Theory
4. Meta-Synthesis

صیانت کنند و بتوانند از ارائه تفاسیر غلط و غیرواقعی از نتایج پژوهش و تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در آن اجتناب کنند (ودادهیر، ۱۳۸۹: ۳۳).

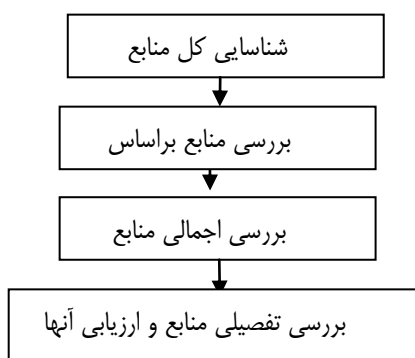
اصول فوق پژوهشگران و فراترکیب‌گران مطالعه کیفی را در موقعیتی قرار می‌دهد که از ماهیت، بینش و ویژگی‌های خاص پژوهش‌های کیفی از جمله بینش بازاندیشی و انتقادی این پژوهش‌ها و ماهیت پیوسته پدیداری طرح‌های آن



شکل ۱. جزای فرا مطالعه

و دیگر کتابخانه‌ها، پژوهشکده‌ها و سایت‌هایی همچون جهاد دانشگاهی^۱، پایگاه مجلات تخصصی نور^۲، مقالات علمی کنفرانس‌های کشور^۳، پایگاه نشریات کشور^۴ و غیره با کلیدواژه‌های مرتبط با «حاکمیت اسلامی، حکومت اسلامی، حکومت علوی و حکومت مهدوی» در فیلد عنوان جمعاً ۸۹ پژوهش یافت شد.

گام سوم، جستجو و انتخاب متون مناسب: فرایند بازبینی و انتخاب در پژوهش حاضر در ۴ مرحله انجام شد که در مرحله اول کل منابع شناسایی گردید. در مرحله دوم پژوهش‌ها براساس عنوان مورد بررسی قرار گرفتند و در مرحله سوم کل منابع مورد بررسی اجمالی قرار گرفتند و در مرحله چهارم منابع به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار گرفتند.



شکل ۲. مراحل انجام پژوهش

مراحل انجام پژوهش

برای دستیابی به هدف پژوهش از روش فراترکیب، مطابق با الگوی سندیلوسکی و باروس (۲۰۰۷) استفاده شد. این الگو شامل هفت مرحله است که در ادامه به نقل از عرب و همکاران (۱۳۹۳) این هفت مرحله شرح داده شده و ابعاد مختلف روشی این پژوهش در قالب این مراحل تبیین خواهد شد.

گام اول، تنظیم سؤال پژوهش: برای تنظیم سؤال تحقیق از پارامترهای مختلفی مانند جامعه مورد مطالعه، چه چیزی، چه موقع و چگونه روش استفاده می‌شود. در این پژوهش، این سؤال مورد کنکاش قرار گرفت، «مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی براساس مطالعاتی که در ایران صورت گرفته، کدامند؟»

گام دوم، مروری سامانمند ادبیات: برای گردآوری داده‌های پژوهش، از داده‌های ثانویه به نام اسناد و مدارک گذشته استفاده شده است. این اسناد و مدارک شامل کلیه پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه حاکمیت اسلامی، حکومت اسلامی، حکومت علوی حکومت مهدوی بوده است. در فراترکیب، متن پژوهش‌های گذشته به‌عنوان داده‌ها محسوب می‌شود.

جامعه مورد بررسی این پژوهش شامل کلیه پژوهش‌های انجام‌گرفته در خصوص حاکمیت اسلامی، حکومت اسلامی، حکومت علوی و حکومت مهدوی که از محل همایش‌ها، نشریات، کتب، پایگاه‌های اینترنتی تأمین شده است. با بررسی و شناسایی پژوهش‌ها از طریق سامانه جستجوی کتابخانه ملی

1. SID: fa.journals.sid.ir
2. Noormags: noormags.com
3. Civlica: civlica.com
4. Magiran: magiran.com

یافته‌های پژوهش

در این قسمت مؤلفه‌هایی که پژوهشگران و اندیشمندان برای حاکمیت اسلامی ذکر نموده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که در این پژوهش مؤلفه‌های حاکمیت علوی، مؤلفه‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)، مؤلفه‌های حاکمیت مبتنی بر دکتین مهدویت و مؤلفه‌های حاکمیت مطلوب اسلامی که همگی ذیل حاکمیت اسلامی مطرح هستند، بررسی شده‌اند.

ویژگی‌های حاکمیت و حکومت علوی

در خصوص مؤلفه‌های حاکمیت و حکومت علوی اندیشمندان و پژوهشگران مؤلفه‌ها و ویژگی‌های برای آن مطرح کرده‌اند که با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص ویژگی‌های حکومت علوی، می‌توان ویژگی‌های کلیدی حاکمیت علوی را به شرح جدول ذیل ارائه نمود.

جدول ۲. مؤلفه‌های حاکمیت علوی

منبع	ویژگی‌های حکومت علوی
عبدالحمیدی (۱۳۷۵)	عدالت‌گرایی، سالم‌سازی (فساد ستیزی)، خدمت‌گزاری، اخلاق‌گرایی
مطهری (۱۳۷۸)	عدالت‌گستری، حق‌گرایی
باباپور (۱۳۷۹)	آبادگری (توسعه‌گرایی)
اخوان کاظمی (۱۳۷۹)	حق‌گرایی، عدالت‌گرایی، امنیت‌گرایی، رفاه‌گرایی، نفی خشونت و خودکامگی (ثبات سیاسی)
دری نجف‌آبادی (۱۳۷۹)	فساد ستیزی، فقرزدایی، عدالت‌گرایی
رستمیان (۱۳۷۹)	خدمت‌گزاری، اخلاق‌گرایی، دانش‌گرایی، عدالت‌گرایی، آبادگری (توسعه‌گرایی)، پاسخگویی
بیگدلی (۱۳۸۶)	مشارکت‌جویی، پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم‌خشونت، اثربخشی، مقررات زدایی، حاکمیت قانون، فساد ستیزی
موسوی کاشمری (۱۳۷۹)	انتقادپذیری (نظارت‌پذیری)
ارسطا (۱۳۷۹)	مشارکت‌جویی
جعفر پیشه فرد (۱۳۷۹)	آبادگری (توسعه‌گرایی)، فقرزدایی
جوان آراسته (۱۳۷۹)	حق‌گرایی (برابری، آزادی، امنیت، آموزش، و تأمین اجتماعی)

در نهایت پس از ۴ مرحله پالایش از میان ۸۹ مطالعه ۵۴ مورد آن حذف و ۳۵ پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انتخاب شود. **گام چهارم، استخراج اطلاعات پژوهش:** در پژوهش حاضر، اطلاعات پژوهش‌ها در جدولی دسته‌بندی شد. این جدول شامل این اطلاعات بود، مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی و مؤلفان و پژوهشگران مرتبط با مؤلفه‌ها.

گام پنجم، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی: در طول تجزیه و تحلیل، پژوهشگر موضوعاتی را جستجو می‌کند که در میان مطالعه‌های موجود در فراترکیب پدیدار شده‌اند. در این پژوهش ابتدا کلیه مؤلفه‌های مربوط شناسایی شد و در گام نهایی براساس فراوانی هر کدام از مؤلفه‌ها، در جدولی اولویت آنها مشخص گردید.

گام ششم، کنترل کیفیت: در این پژوهش، رویه‌های زیر برای حفظ کیفیت مطالعه در نظر گرفته شد؛

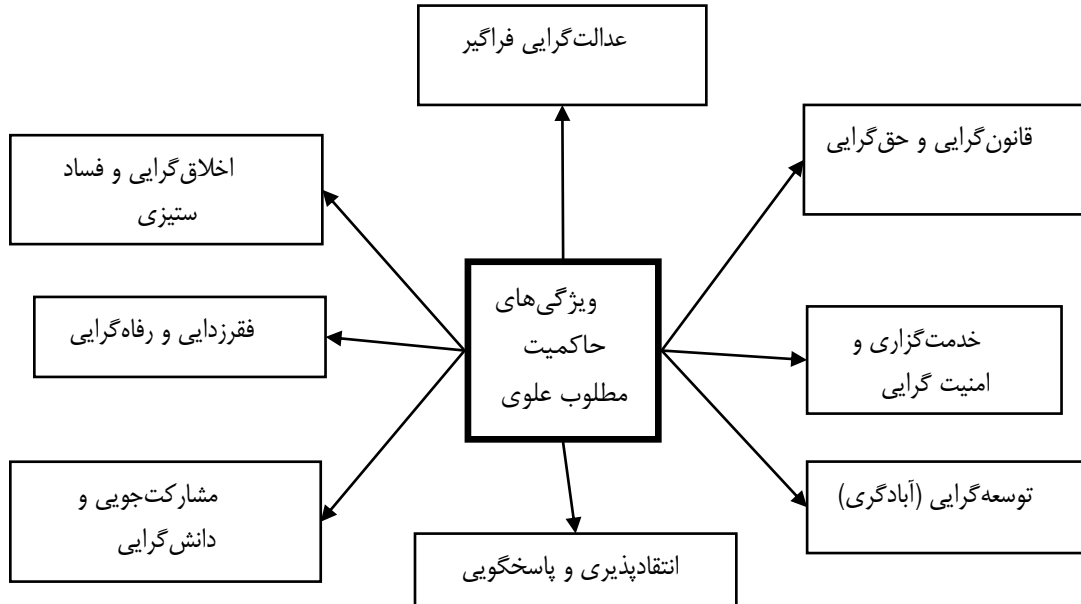
۱. بررسی گسترده منابع فارسی؛

۲. تلاش در جهت اولویت‌بندی و شناسایی دقیق مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی.

گام هفتم، ارائه یافته‌ها: در این مرحله از روش فراترکیب، یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شوند که در ادامه آورده شده‌اند.

پهلوان و شریعتی (۱۳۹۴)	هدف نبودن حکومت برای حاکمان، زندگی حاکمان در سطح طبقات متوسط و یا فرودست جامعه، حکومت براساس خواست مردم، رقیب نبودن حکومت برای مردم، حقوق مردم در حکومت، ولایت مطلقه نداشتن حکومت، حاکمیت ضوابط بر روابط، رد هدایای شبهه‌ناک، سیاست برمدار اخلاق و دین، عزل ناشایستگان، اجرای عدالت به هر قیمت، رعایت حقوق حیوانات، ملاک بودن حق و نه شخص، پرهیز از استبداد، انتقادپذیری، علم و آگاهی حاکم، تأمین رفاه مردم، تأمین امنیت مردم، پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال، انتخاب صحیح مشاوران، جلوگیری از چاپلوسی، حفظ حرمت رعیت در مقابل حاکمان، پایه‌ریزی حکومت براساس قانون عام عدالت، رعایت حقوق شهروندی، برقراری نظام بازنشستگی و از کارافتادگی، برقراری نظام پاداش و کیفر، رعایت حقوق متهمان، رعایت حقوق زندانیان، مجازات کارگزاران خاطی، رعایت مساوات اقتصادی، برقراری سیستم نظارتی، تأمین کامل معاش کارگزاران، اخذ مالیات در قبال عمران و آبادانی، حمایت از صاحبان صنایع، دیدارهای عمومی حاکم، رعایت حال اضعف مردم، صلح‌طلبی و جلوگیری از خونریزی، نظم و انضباط، جلوگیری از زیاد طلبی خویشان
دین‌پرور (۱۳۹۴)	خود نظارتی، دقت در گزینش کارگزاران، عطف و مهربانی نسبت به مردم، خودسازی (دفع رذایل و کسب فضایل)، شایسته‌سالاری، پرهیز از گرایش‌های حزبی
سلطان محمدی و همکاران (۱۳۹۱)	حق‌طلبی، عدالت محوری، ابزارانگاری قدرت، تقوای سیاسی، کرامت انسانی، مردم‌گرایی، صلح‌مداری، عهدمندی، مصلحت‌سنجی
شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴)	انتخاب مسئولان و کارگزاران، مشورت در امور، مردمی بودن اهداف و حمایت از مردم، اخلاق اسلامی، پاداش و تنبیه، تقسیم‌کار، رعایت اعتدال و عدالت، علم و شناخت و آگاهی نسبت به امور و کنترل و نظارت
مروتی و همکاران (۱۳۹۲)	شاخص‌های ارتباطی حاکمیت، حق‌گویی، حق‌گرایی حق‌پایی، مدارا، نرمی و دوری از تحمیل، تأمین رفاه عمومی و دوری از طبقه‌گرایی، عدالت محوری و ظلم‌ستیزی، همدلی، آرامش و امنیت، دوری از تملق، غلو و تخلف، گسترش نصیحت‌گویی و انتقاد محوری، پاسداری از کرامت انسانی و حرمت افکار عمومی، آزادی بیان و حق انتخاب‌گری، محبت و مهرورزی
رضایی منش و همکاران (۱۳۹۳)	هدف ایجابی، قرب الهی و تربیت نفوس آدمیان. اهداف سلبی، رفع ظلم و تعدی (عدالت)، فقرزدایی (رفاه نسبی)، رفع ناامنی (امنیت)، رفع موانع اختیار (آزادی)، رفع ذلت نفس (عزت و اقتدار)، رفع ویرانی (آبادانی)، رفع جهل (آگاهی)، رفع وابستگی (استقلال)
ثواقب (۱۳۹۱)	مشارکت مردمی، اصول‌گرایی دینی، صراحت مواضع و برنامه‌ها، صداقت و راست‌گویی، نقدپذیری، دفاع از حقوق مردم، مدارا و نرمش، دفاع از اصل آزادی انسان‌ها، عدالت اجتماعی، انتخاب کارگزاران براساس شایستگی‌ها
سعدآبادی و همکاران (۱۳۹۲)	مؤلفه‌های حکومت توسعه یافته، عوامل محتوایی، حاکمیت اصل نظم فردی، رضایت توده مردم، اصل سعه صدر، امانت دانستن مسئولیت حکومتی، پرهیز از استبداد و ظلم فردی و بین فردی، تقویت روحیه خودنظارتی، نگرش به پست و مقام به مثابه امانت و تعهد الهی، عمل به وعده‌ها، عدالت فردی، عوامل ساختاری، نظام شایسته‌سالاری در انتصابات حکومتی، وقت‌شناسی سیاسی، عدالت ساختاری، انطباق پست و شرایط احراز آن، حاکمیت انضباط، ارتباط دوجانبه مسئولان و مردم، اصل نظارت و پاسخگویی، اصل سلسله‌مراتب، حاکمیت گفت‌وگو و پرهیز از خشونت، پرهیز از استبداد و ظلم ساختاری، اصل مشروعیت نظام، رایزنی با متخصصان و دانشمندان در کلیه مراحل پیشرفت، لزوم طرح‌ریزی برنامه راهبردی، برخورد با سهل‌انگاران و متخلفان، ضرورت آگاه‌سازی مردم، پرهیز از ویژه خواری، پرهیز از نیرنگ در سیاست، سیستم اطلاعاتی هدفمند، اصل انعطاف‌پذیری در امور، بسیج منابع. عوامل زمینه‌ای، همکاری بین تمامی اقشار جامعه، فرهنگ ظلم‌ستیزی، فرهنگ نقدپذیری، اجتناب از فردمحوری و نیاز به کار گروهی، توسعه مشارکت اجتماعی، عدالت زمینه‌ای، پایبندی به اصول اسلامی، میانه‌روی در امور، فرهنگ قانون‌پذیری، پذیرش فرهنگ انعطاف‌پذیری و گشادگی در برابر تغییر.

تلفیق و تلخیص این مؤلفه‌ها در قالب نمودار ذیل ارائه می‌گردد.



شکل ۳. ویژگی‌های حاکمیت مطلوب علوی (ره‌نورد، ۱۳۸۸)

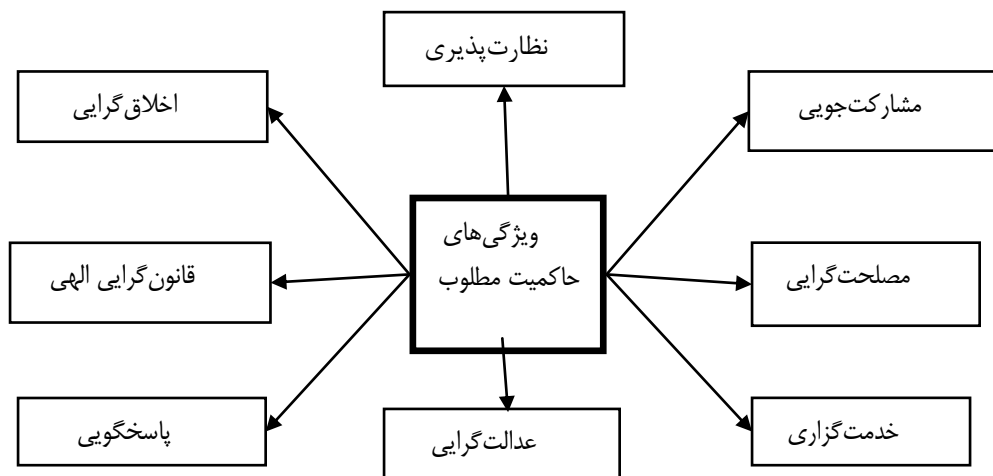
دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی کرده است و مؤلفه‌های ذیل را برای آن بر شمرده است (جمشیدی، ۱۳۷۹).

ویژگی‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)
جمشیدی در پژوهشی ویژگی‌های حکومت مطلوب را از

جدول ۳. مؤلفه‌های حاکمیت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)

منبع	ویژگی حاکمیت مطلوب
امام خمینی (۱۳۷۴، ۱۳، ۳۰، ۴۹، ۷۷، ۱۴۹، ۱۷۸)	عدالت‌گرایی
امام خمینی (۱۳۷۴، ۱۱، ۱۶۷)، امام خمینی (۱۳۷۳، ۵۲، ۵۳)	قانون‌گرایی الهی
امام خمینی (۱۳۷۴، ۱۸۱، ۲۱۲)	مشارکت‌جویی
امام خمینی (۱۳۷۴، ۱۸۰)، امام خمینی (۱۳۶۰، ۱۸۶)	مصلحت‌گرایی
امام خمینی (۱۳۷۴، ۱۲۶، ۲۳۸)، امام خمینی (۱۳۷۳، ۷۰)	خدمت‌گزاری
امام خمینی (۱۳۷۴، ۴۷)	اجتهادگرایی
امام خمینی (۱۳۷۳، ۶۱)	اخلاق‌گرایی
امام خمینی (۱۳۷۴، ۳۲، ۲۵۷)	نظارت‌پذیری
امام خمینی (۱۳۷۴، ۵۰)	پاسخ‌گویی

نمودار این ویژگی‌ها به صورت ذیل ارائه می‌گردد،



شکل ۴. ویژگی‌های حاکمیت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) (ره‌نورد، ۱۳۸۸)

قرار گیرد تا بتوان با اقتباس از آن و با در نظر گرفتن شرایط موجود، مدل حد واسطی را طراحی کرد و به‌عنوان الگوی حاکمیتی مطلوب به کار گرفت.

با توجه به بررسی‌های اندیشمندان اسلامی ویژگی‌های حاکمیت مبتنی بر دکتترین مهدویت از دیدگاه اندیشمندان در قالب جدول ذیل جمع‌آوری شده است،

ویژگی‌های حاکمیت مبتنی بر دکتترین مهدویت از دیدگاه اندیشمندان تشیع

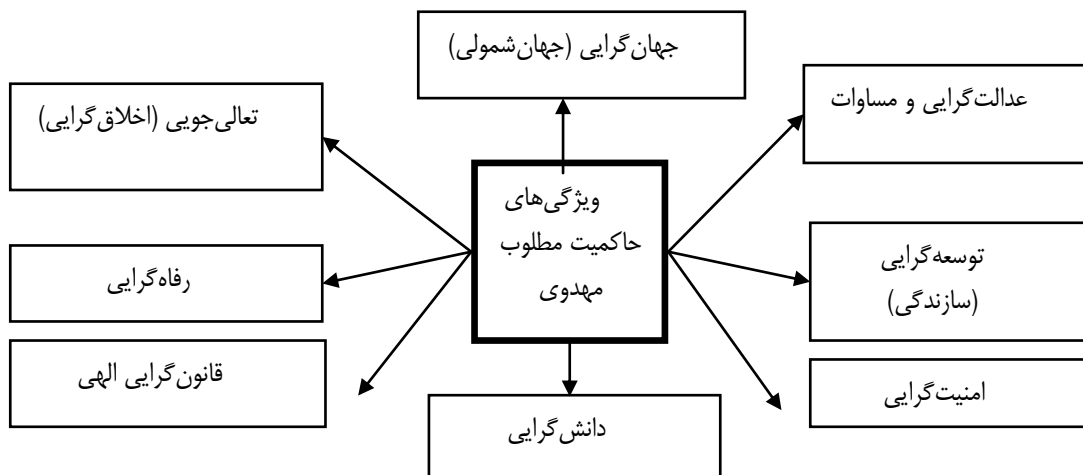
در اسلام فلسفه تشکیل حکومت آن است که زمینه رشد و تعالی انسان فراهم آید. اینکه چنین حاکمیتی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، از نگاه مهدویت نیز بررسی آن ضروری است. در این بخش سعی بر آن است تا ویژگی‌های حاکمیتی که در آخرالزمان به‌عنوان دولت آخر تشکیل خواهد شد مورد کنکاش

جدول ۴. ویژگی‌های حاکمیت مبتنی بر دکتترین مهدویت

منبع	ویژگی‌های حاکمیت مهدی (عج)
ستاری (۱۳۸۵)	جهان‌شمولی، رفاه‌گرایی، دانش‌گرایی
امینی (۱۳۸۱)	جهانی بودن، عدالت‌گرایی، قانون‌گرایی اسلامی
سلیمیان (۱۳۸۳)	جهان‌شمولی
نامدرازاده (۱۳۸۴)	برابری و عدالت‌جویی، رضایت‌جویی، فقرزدایی و رفاه‌گرایی، امنیت‌گرایی، تعالی‌جویی
رضوی (۱۳۸۶)	جهان‌شمولی، قانون‌گرایی، عدالت‌گستری، توسعه‌گرایی (سازندگی)، دانش‌گرایی
طباطبایی (۱۳۸۴)	جهان‌شمولی، عدالت‌گرایی
بابایی طلاتپه (۱۳۸۶)	تکلیف‌گرایی، حق‌مداری، کمال‌جویی، خدامحوری، انسان‌مداری (تعالی‌جویی)، عدالت‌گستری
ربانی گلپایگانی (۱۳۸۵)	دانش‌گرایی، عدالت‌خواهی و مساوات، جهان‌شمولی، امنیت‌گرایی، توسعه‌گرایی (آبادگری)، رفاه‌گرایی، تعالی‌جویی
کارگر (۱۳۸۵)	عدالت‌گرایی، قانون‌گرایی الهی، اخلاق‌گرایی، امنیت‌گرایی، توسعه‌گرایی (آبادانی)، فقرزدایی
فروزنده و همکاران	رشد سریع علم و علوم اسلامی، جهانی‌شدن عدالت، حکومت صالحان در زمان ظهور، آبادانی جهان، وجود

امنیت در زمان ظهور، برادری و برابری و نبود تبعیض، اجراکردن شیوه حضرت رسول اکرم (ص)، از بین رفتن هر نوع بیماری و نقص عضو و ناتوانی، نبود فقیر و نیازمند.	(۱۳۸۶)
توحید محوری، عدالت، برابری و عدم تبعیض، پیاده‌سازی سیره نبوی، شایسته‌سالاری، سادگی و ساده زیستی، اقتدار و عزت، اجرای کامل قوانین، نوع‌دوستی و برادری، رشد عقل و افزایش دانش، استحکام پیوندهای اجتماعی، کار و تلاش، توسعه پایدار، تکامل اخلاق، امنیت و آرامش، ریشه‌کنی فقر و نیازمندی، سامان‌دهی اقتصادی، مقابله با تهاجم فرهنگی، حمایت از مظلومان	فروزنده و همکاران (۱۳۹۰)
رشد شاخص‌های اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و رفع فقر و نداری، برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر گیتی، احیای آیین توحیدی و برچیدگی شرک و پرستش خدایان دروغین، تثبیت و شکل‌گیری صلح و امنیت جهانی و ایجاد آرامش همگانی، عصر شکوفایی علمی و به کمال نهایی رساندن دانش و عقلانیت انسان‌ها، ارتقای کرامت انسانی و حفظ و بالندگی حقوق بشر، نفی قومیت‌مداری و از بین بردن تبعیضات نژادی و طبقه‌ای، گفتمان واقعه‌ای با سایر ادیان، احیای دین بر مبنای مقتضیات زمان و مکان، تحولات بنیادی در حوزه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، حفظ محیط‌زیست و رعایت حقوق جانداران،	تابلی و همکاران (۱۳۹۰)
وارستگی‌های رهبری (علم و عصمت، توانایی، صبر و شکیبایی)، عدالت (سیاسی، علمی و فرهنگی، اقتصادی، قضایی)، رشد فکری و فرهنگی عمومی (همگامی و همدلی مردم با حاکم)، وحدت دین و حاکمیت، آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی، یاران توانمند و امدادهای غیبی	سامانی (۱۳۹۳)
فطرت جویی، سرانجام‌گرایی، عزت انسانی، حاکمیت الله، خلیفه‌الله، ملت واحد، قانون واحد	شیرودی (۱۳۹۳)

تلفیق و تلخیص این مؤلفه‌ها در قالب نمودار ذیل ارائه می‌گردد.



شکل ۵. ویژگی‌های حاکمیت مطلوب مهدوی (رهنورد، ۱۳۸۸)

جمع‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی

گذشته در جدول ذیل ارائه می‌گردد.

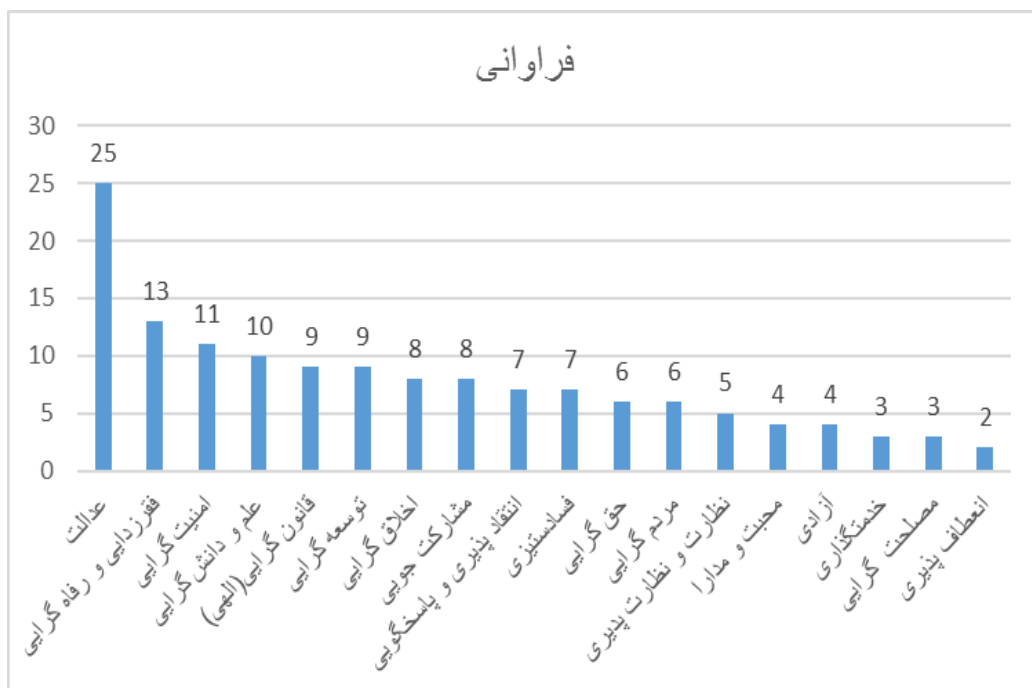
جمع‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی براساس تحقیقات

*																	ستاری (۱۳۸۵)
	*		*														امینی (۱۳۸۱)
																	سلیمیان (۱۳۸۳)
*	*	*															نامدرازاده (۱۳۸۴)
		*	*	*													رضوی (۱۳۸۶)
		*															طباطبایی (۱۳۸۴)
		*															بابایی طلا تپه (۱۳۸۶)
*	*	*	*														ربانی گلپایگانی (۱۳۸۵)
*	*	*	*	*	*												کارگر (۱۳۸۵)
*	*	*			*												فروزنده و همکاران (۱۳۸۶)
*	*	*	*	*	*	*	*	*							*		فروزنده و همکاران (۱۳۹۰)
*	*	*			*												تابلی و همکاران (۱۳۹۰)
		*			*										*		سامانی (۱۳۹۳)
																	شیرودی (۱۳۹۳)
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*			*	*			رهنورد (۱۳۸۸)
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	مجموع

درمجموع رتبه‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی براساس پژوهش‌های ذکر شده به صورت ذیل در قالب جدول و نمودار فراوانی خواهد بود.

جدول ۶. رتبه‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی براساس تحقیقات گذشته

مؤلفه	فراوانی	ردیف	مؤلفه	فراوانی
عدالت	۲۵	۱۰	فساد ستیزی	۷
فقرزدایی و رفاه‌گرایی	۱۳	۱۱	حق‌گرایی	۶
امنیت‌گرایی	۱۱	۱۲	مردم‌گرایی	۶
علم و دانش‌گرایی	۱۰	۱۳	نظارت و نظارت‌پذیری	۵
قانون‌گرایی (الهی)	۹	۱۴	محبت و مدارا	۴
توسعه‌گرایی	۹	۱۵	آزادی	۴
اخلاق‌گرایی	۸	۱۶	خدمت‌گزاری	۳
مشارکت‌جویی	۸	۱۷	مصلحت‌گرایی	۳
انتقادپذیری و پاسخگویی	۷	۱۸	انعطاف‌پذیری	۲



شکل ۶. فراوانی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی

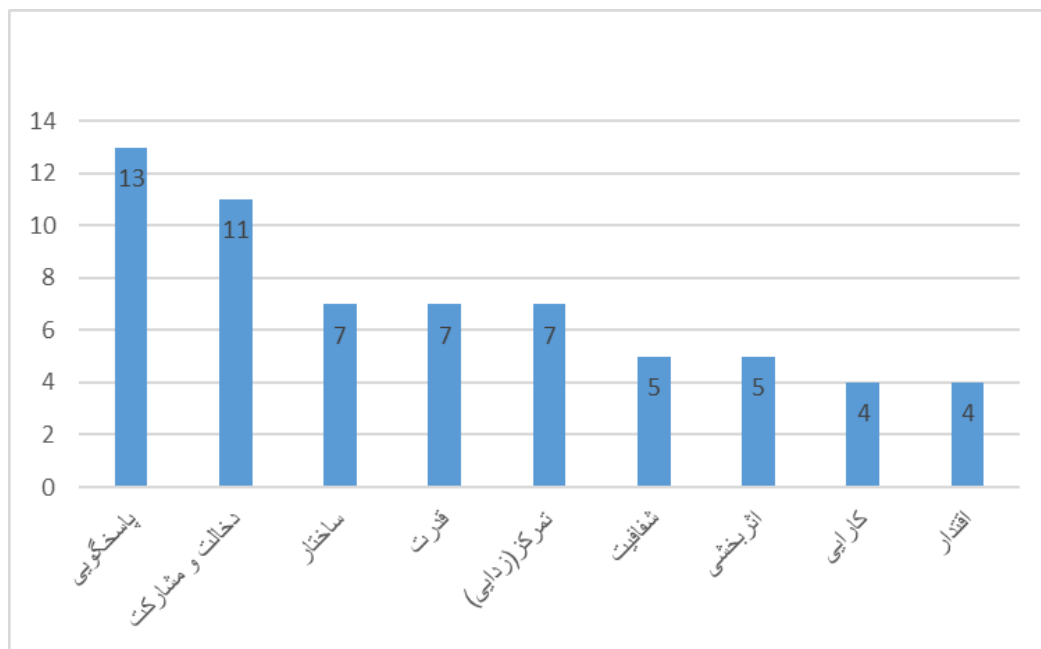
مقایسه اولویت‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی و مؤلفه‌های حاکمیت غربی

به صورت ذیل در قالب جدول و نمودار فراوانی مشخص گردیده است (روه‌ن و همکاران، ۲۰۱۰).

شایان ذکر است براساس پژوهش فرا مطالعه‌ای که درخصوص مؤلفه‌های حاکمیت انجام شده است، اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها

جدول ۷. رتبه‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت غربی

مؤلفه‌ها	فراوانی
پاسخگویی	۱۳
دخالت (مشارکت)	۱۱
ساختار	۷
قدرت	۷
تمرکز(زدایی)	۷
شفافیت	۵
اثربخشی	۵
کارایی	۴
اقتدار	۴



شکل ۷. فراوانی مؤلفه‌های حاکمیت غربی

به دلیل حاکمیت فضای لیبرالیسم و آزادی در غرب پاسخگویی و دخالت (مشارکت) اهمیت زیادی دارد در صورتی که در حاکمیت اسلامی، عدالت، فقرزدایی و رفاه‌گرایی اهمیت ویژه‌ای دارد. همین امر نشان می‌دهد که الگوهای حاکمیتی غربی قابل تجویز در ممالک اسلامی نیست و لازم است الگوهای اسلامی در این زمینه طراحی گردند.

با توجه به نتایج این پژوهش اولویت‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی و مؤلفه‌های حاکمیت غربی در قالب جدول ذیل مقایسه شده است. این جدول نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مورد تأکید در حاکمیت اسلامی، عدالت، فقرزدایی و رفاه‌گرایی است در صورتی که مؤلفه‌های مورد تأکید در حاکمیت غربی، پاسخگویی و دخالت (مشارکت) است. دلیل این امر شاید به این سبب است که

جدول ۸. مقایسه اولویت‌بندی مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی با مؤلفه‌های حاکمیت غربی

مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی	فراوانی	ردیف	مؤلفه‌های حاکمیت غربی	فراوانی
عدالت	۲۵	۱	پاسخگویی	۱۳
فقرزدایی و رفاه‌گرایی	۱۳	۲	دخالت (مشارکت)	۱۱
امنیت‌گرایی	۱۱	۳	ساختار	۷
علم و دانش‌گرایی	۱۰	۴	قدرت	۷
قانون‌گرایی (الهی)	۹	۵	تمرکز (زدایی)	۷
توسعه‌گرایی	۹	۶	شفافیت	۵
اخلاق‌گرایی	۸	۷	اثربخشی	۵
مشارکت‌جویی	۸	۸	کارایی	۴
انتقادپذیری و پاسخگویی	۷	۹	اقتدار	۴

بحث و نتیجه گیری

الگوی حاکمیت و حکومت‌داری همواره مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران در سرتاسر جهان بوده و هرکدام از آنها با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خود به این موضوع پرداخته‌اند و الگوها و مؤلفه‌هایی برای یک حاکمیت مطلوب ارائه کرده‌اند. در ایران نیز اندیشمندان و پژوهشگران مختلفی در این زمینه دست‌به‌قلم شده و به این موضوع پرداخته‌اند. این اندیشمندان و پژوهشگران با عناوین و عرصه‌های مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. این عناوین و عرصه‌ها شامل حاکمیت علوی، حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره)، حاکمیت مبتنی بر دکترین مهدویت و حاکمیت مطلوب اسلامی هستند که همگی ذیل حاکمیت اسلامی مطرح هستند. با بررسی این منابع نتایج ذیل به دست آمد:

۱. در میان عناوین و عرصه‌های مختلف در زمینه حاکمیت اسلامی، تعداد کثیری از این مطالعات با توجه به سیره امام علی (ع) انجام گرفته است.

۲. در میان مؤلفه‌های مربوط به حاکمیت اسلامی، مؤلفه‌های عدالت‌گرایی، فقرزدایی و رفاه‌گرایی از اولویت بالایی برخوردارند،

منابع

ابراهیم پور، حبیب و روشندل اربطانی طاها (۱۳۸۷). «بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حکمرانی پایداری در ایران». نشریه مدیریت دولتی، شماره ۱.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹). «آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی (ع)». فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ۱۴۷-۱۲۹. ارسطا، محمدجواد (۱۳۷۹). «اهتمام به آرای عمومی و دید مردم در نگاه علی (ع)». فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ۱۱۰-۱۲۸.

الوانی، مهدی و علیزاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران». نشریه مطالعات مدیریت، دوره ۱۴، شماره ۵۳.

امام خمینی، روح اله (۱۳۷۴). صحیفه امام. جلد‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۶، ۲۰، ۲۱. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

در صورتی که مؤلفه‌های پاسخگویی، دخالت (مشارکت) در حاکمیت غربی از اولویت بالایی برخوردارند.

۳. تفاوت اولویت در مقایسه حاکمیت اسلامی و حاکمیت غربی نشان می‌دهد که حاکمیت اسلامی و حاکمیت غربی ماهیتاً با هم تفاوت دارند و لذا باید تلاش کرد حاکمیت اسلامی براساس محتوای اسلامی تدوین گردد.

با توجه به موضوع پژوهش پیشنهادهایی به صورت ذیل ارائه می‌گردد:

۱. در زمینه سیره حاکمان اسلامی غیرمعصوم نیز پژوهش‌های مسوولی انجام گیرد.

۲. لازم است که کشورهای اسلامی براساس متون اسلامی مدل و مؤلفه‌های حاکمیت را استخراج نمایند و براساس آن کشورهای اسلامی با یکدیگر مقایسه شوند و این‌گونه نباشد که سازمان ملل با مدل‌های غربی به مقایسه کشورها از جمله کشورهای اسلامی بپردازد.

۳. لازم است در منابع اهل تسنن نیز پژوهش فراترکیبی انجام گیرد تا مشخص شود که آنها چه مؤلفه‌هایی را برای حاکمیت قائل‌اند.

۴. براساس پیشنهاد سوم می‌توان تفاوت‌ها بین مذاهب مختلف اسلامی را مشخص کرد و دلایل آن را علت‌یابی کرد.

امام خمینی، روح اله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی، روح اله (۱۳۶۰). کشف‌الاسرار. قم: انتشارات آزادی. امام خمینی، روح اله (۱۳۷۳). ولایت فقیه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امیری، علی‌نقی و عابدی‌جعفری، حسن (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی، رویکردها. تهران: سمت.

امینی، ابراهیم (۱۳۸۱). حکومت امام مهدی علیه‌السلام. قم: بوستان کتاب.

باباپور گل‌افشانی، محمدمهدی (۱۳۷۹). درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج‌البلاغه. قم: انتشارات تهذیب.

بابایی طلائیه، محمداقبر (۱۳۸۶). مبانی و اهداف حکومت جهانی حضرت مهدی (عج). در سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ویراسته سید رضا سجادی نژاد، تهران: موسسه آینده روشن.

دین‌پرور، جمال‌الدین (۱۳۹۴). «مدیریت و حکومت علوی (فرازمانی، فرامرزی)». *فصلنامه النهج*، شماره ۴۶، ۱۹-۷.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۴). «دکترین مهدویت و حکومت جهانی مهدوی». *مجله انتظار موعود*، شماره ۱۶، ۲۰۸-۱۸۳.

رستمیان، محمدعلی (۱۳۷۹). «وظائف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه علی(ع)». *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۸، ۱۲۵-۹۸.

رضایی منش، بهروز؛ عبدالحمید، مهدی؛ پورعزت، علی اصغر و شریفزاده، فتاح (۱۳۹۳). «الگوی ارزشیابی خطمشی‌های عمومی در پرتو معرفت علوی». *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۸، ۱۵۲-۱۲۳.

رضوی، رسول (۱۳۸۶). «سیره حکومتی امام زمان(عج)». پایگاه اندیشه قم، www.andisheqom.com

رهنمورد، فرج اله (۱۳۹۰). «الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴». *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، شماره ۶، ۵۸-۴۳.

رهنورد، فرج اله (۱۳۸۸). *مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم‌انداز توسعه ۱۴۰۴*. تهران: گزارش دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام. کمیته مدیریت و نظام اداری.

سامانی، احسان (۱۳۹۳). «شاخصه‌های حکومت مهدوی برای تحقق صلح و امنیت جهانی». *پژوهش‌های مهدوی*، شماره ۱۱، ۱۷۴-۱۴۱.

ستاری، حسن (۱۳۸۵). «صفات و ویژگی‌های آرمان‌شهر در اندیشه اسلامی». *ماهنامه موعود*، شماره ۴۱، ۲-۱.

سحابی، بهرام؛ اعتصامی، منصور و امین‌پور، خالد (۱۳۹۲). «بررسی اثر حاکمیت خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب». *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۱۸-۱۰۵.

سردارنیا، خلیل‌اله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). «تبیین حاکمیت خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۶، شماره ۴، ۵۳-۲۷.

سلطان محمدی، حسین و سلطان محمدی، فاطمه (۱۳۹۱). «تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت». *پژوهشنامه علوی*، سال ۳، شماره ۱، ۱۱۶-۹۱.

سلمیمان، خدا مراد (۱۳۸۳). «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)». *ماهنامه موعود*، شماره ۴۵، ۷۰-۶۶.

بردیبار، غلامرضا؛ ضرابی زاده، شیما و صالحی، طاهر (۱۳۹۴). «ارائه الگوی حاکمیت خدا مدار». *مدیریت اسلامی*، شماره ۱۰، ۴۱-۹.

بووارد، تونی و لوفر، الک (۱۳۹۳). *مدیریت دولتی و حاکمیت، شیروانی، علیرضا، الوانی، مهدی و ذاکر اصفهانی، علیرضا، تهران: نگین ایران.*

بیگدلی، رحمت اله (۱۳۸۶). «حکمرانی خوب در اندیشه و عمل علی(ع)». *خبرگزاری انتخاب*، www.entekhab.ir

تاریخ دسترسی به پایگاه ۱۵/۱۰/۸۶.

بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ حقی کرم الله، مسلم و حسینی فرد، مجتبی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی نظام حکمرانی کوروش کبیر با اصول حکمرانی خوب». *فصلنامه راهبرد*، سال پنجم، شماره ۷.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). «پژوهش ابعاد حاکمیت اخلاقی در فحوای عهدنامه امیر(ع)». *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، سال هشتم، شماره ۳۰، ۱۳۲-۱۱۵.

پهلوان، منصور و شریعتی‌نیاسر، حامد (۱۳۹۴). «ویژگی‌های حکومت علوی». *فصلنامه النهج*، شماره ۳، ۴۴-۷.

تابلی، حمید؛ سالاری راد، معصومه؛ صالحی، جواد و غلامعلی پور، علی (۱۳۹۰). «حکومت مهدوی در پرتو شاخص‌های جهانی‌سازی آن». *مشرق موعود*، شماره ۱۹، ۱۰۲-۸۳.

ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۱). «مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی». *پژوهشنامه علوی*، سال سوم، شماره ۲، ۲۵-۱.

حسینی تاش، علی و علی واثق، قادر (۱۳۹۳). «حاکمیت خوب و ارائه حاکمیت شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمومنین علی علیه‌السلام». *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال سوم، ۲۸-۷.

جعفر پیشه فرد، مصطفی (۱۳۷۹). «حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، توسعه و رفاه». *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۸، ۵۶-۹۷.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸). «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره)». *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۴، ۲۰۵-۱۷۱.

جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹). «حقوق مردم در نگاه امیرالمؤمنین (ع)». *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۸، ۲۱۳-۱۸۶.

دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹). «مبارزه با فساد در حکومت علوی(ع)». *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۷، ۲۹۲-۲۵۳.

سعدآبادی، علی اصغر و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲). «ویژگی‌های حکومت توسعه‌یافته در پرتو رهنمودهای امام علی(ع)». پژوهشنامه علوی، سال چهارم، شماره اول، ۵۱-۳۳.

سهرابی، بابک؛ اعظمی، امیر و یزدانی، حمیدرضا (۱۳۹۰). «آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب». چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۶، ۲۴-۹.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و زرین نعل، زینب (۱۳۹۴). «رعایت اصول حکومت علوی بسترساز تحقق اهداف حکومت اسلامی». فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال سوم، شماره ۱۰، ۲۲-۱.

شیرودی، مرتضی (۱۳۹۳). «شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام با تکیه بر حکومت امام مهدی (عج)». مجله انتظار موعود، شماره ۴۵، ۸۵-۱۰۲.

طباطبایی، کاظم (۱۳۸۴). «عدالت جهانی، نماد سیاست مهدوی». مجله انتظار موعود، شماره ۱۳، ۱۳-۱۲.

کارگر، رحیم (۱۳۸۵). «دولت اخلاقی و دکترین مهدویت». مجله انتظار موعود، شماره ۱۶، ۲۵۴-۲۴۱.

کایر، آنه مته (۱۳۸۶). حاکمیت. ترجمه، ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

عبدالمحمدی، حسین (۱۳۷۵). «احیای ارزش‌ها در حکومت علی (ع)». فصلنامه معرفت، شماره ۱۸، ۳۴-۲۸.

عرب سید محمد، ابراهیم‌زاده، پزشکی، رضا، مروتی و شریف‌آبادی، علی (۱۳۹۳). طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، ۱۰(۴)، ۱۰-۲۲.

فروزنده‌دهکردی، لطف اله و جوکار، علی‌اکبر (۱۳۸۶). مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

فروزنده، لطف‌اله؛ بهمنی، اکبر؛ صفیان، مهدی و امیری، محمدهاشم (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار

حکومت مهدوی براساس رویکرد استراتژیک». مشرق موعود، شماره ۱۹، ۱۳۱-۱۰۳.

قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت». فصلنامه دانش مدیریت، دوره ۱۷، شماره ۵.

نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی». نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۱.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «حاکمیت خوب با رویکرد اسلامی». نشریه مصباح، شماره ۷۶، ۱۲۸-۱۰۷.

نامداززاده، محسن (۱۳۷۸). «سلطان جهانم به چنین روز غلام است». ماهنامه موعود، شماره ۱۲، ۳۱-۳۰.

نیرومند، پوراندخت؛ رنجبر، محبوبه؛ سعدی، محمدرضا و امیرشاهی، میراحمد (۱۳۹۱). «شناسایی و طبقه‌بندی مدل‌های کسب‌وکار موبایل مبتنی بر رویکرد فرا ترکیب». نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۴، شماره ۱۰، ۲۰۱-۱۷۹.

مروتی، سهراب و رضایی، زهرا (۱۳۹۲). «شاخص‌های ارتباط مطلوب مردم با زمامدار در نهج‌البلاغه». پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال اول، شماره ۱، ۳۷-۲۵.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). سیری در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات صدرا.

موسوی کاشمیری، مهدی (۱۳۷۹). «انتقاد گری و انتقادپذیری در حکومت علوی». فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ۳۱۴-۲۹۳.

ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹). «فراترکیب نتایج واکاوی‌های کیفی و مطالعات فرهنگی، واقعیت یا توهم». برگ فرهنگ، ۴۵-۲۴.

یوسفی، شیخ رباط و بابایی، محمدرضا (۱۳۹۴). «طراحی مدل حاکمیت خوب براساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حاکمیت خوب بانک جهانی». نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۵۷، ۶۲-۳۱.

Hirst, P. (2000). "Democracy and Governance", in Jon Pierre(ed).

Hyden, G. (1999) "Governance and the Reconstitution of political order". in Richard Joseph (ed), state, conflict, and Democracy in Africa, Boulder, co, Lynne Rienner.

Plumptre, T. & Graham, J. (2000). "Governance in the New Millennium Challenges for Canada Institute on Governance". Canada: The Institute On Governance Ottawa, Ontario. www.iog.ca.

Plumptre, T. & Graham, J. (1999). Governance & Good Governance, Institute on Governance, December Ruhanen Lisa,

- Scott Noel, Ritchie, B. & Tkaczynski, A. (2010). "Governance 'a review and synthesis of the literature". *Tourism Review*, 65(4), 4-16.
- Sandelowski, M. & Barros, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. New York: Springer publishing company Inc.
- World Bank. (1989). "*subsabaran Africa from crisis to sustainable growth*". Washington DC.